

۲۹۵۹

ده پاپ

که جهان را به لرزه انداختند

www.ketab.ir

www.ketab.ir

دافی، ایمون

Duffy, Eamon

ده پاپ كه جهان را به لرزه انداختند/ ایمون دافی؛ ترجمه محمد جلال ماخانی، سعید ماخانی.

تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۰.

۱۴۶ ص.

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۹۰-۵

عنوان اصلی: Eamon Duffy, *Ten Popes Who Shook the World*, Yale University Press, 2011.

كانوليك (مذهب) — تاريخ

پاپ سالاری — تاريخ

پاپ سالاری — تاريخ

مسيحيت — تاريخ

ماخانی، محمد جلال، ۱۳۶۳-، مترجم

ماخانی، سعید، ۱۳۶۹-، مترجم

رده بندی کنگره: BX۹۵۵/۳

رده بندی ديوي: ۲۸۲/۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۰۱۶۶۲



۵۵ پاپ که جهان را به آبرو انداختند

ایمون دافی

ترجمه محمد جلال ماخانی و سعید ماخانی

ویرایش: محمد مهدی ابراهیمی فخاری

صفحه آرایی: فریدون سامانی پور

طراحی جلد: حمید باهو

مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی

چاپ اول: ۱۴۰۰ / ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۹۰-۵

ISBN: 978-600-405-790-5

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۵۲۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳

فروشگاه شماره سه: پاسداران / میدان هروی / مجتمع هدیش مال

فروشگاه شماره چهار: خیابان فرشته / آقا بزرگی / باغ ریشه / پ ۳۱

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۲۷ - ۷-۸۸۳۲۵۲۷۶

آدرس سایت: www.salepublication.com

آدرس اینستاگرام: [salepublication](https://www.instagram.com/salepublication)

فهرست

۱۵	 مقدمه
۳۱	 ۱. پطرس قدیس
۴۳	 ۲. لئون کبیر (۴۴۰-۴۶۱)
۵۳	 ۳. گریگوری کبیر (۵۹۰-۶۰۴)
۶۵	 ۴. گریگوری هفتم (۱۰۷۳-۱۰۸۵)
۷۷	 ۵. اینوسنت سوم (۱۱۹۸-۱۲۱۶)
۸۹	 ۶. پل سوم (۱۵۳۴-۱۵۴۹)
۱۰۱	 ۷. پیوس نهم (۱۸۴۶-۱۸۷۸)
۱۱۳	 ۸. پیوس دوازدهم (۱۹۳۹-۱۹۵۸)
۱۲۳	 ۹. ژان بیست و سوم (۱۹۵۸-۱۹۶۳)
۱۳۵	 ۱۰. ژان پل دوم (۱۹۷۸-۲۰۰۵)
۱۴۵	 برای مطالعه بیشتر
۱۴۹	 نمایه

مقدمه

تشکیلات پایی نهادی است که برای همگان، خواه مؤمن باشند و خواه نباشند، حایز اهمیت است. جانشینان پطرس که ۲۶۴ تن بوده‌اند، کهن‌ترین سلسله جهانند. امپراتوری روم هنوز جوان بود که نخستین پاپ‌ها پا به عرصه تاریخ گذاشتند. منابع نخستینی که در اواخر سده دوم میلادی در باب پاپ‌ها سخن می‌گفتند، مدعی موقعیتی عالی برای اسقف رم بودند. آن هم نسبت به هر رهبر مسیحی دیگری. پاپ‌ها هجده سده بر گسترده‌ترین سازمان دینی جهان سلطه‌ای شبه پادشاهانه اعمال می‌کردند. آن‌ها وجدان یا افکار یک پنجم از جمعیت بشر را در هر سطحی در دست داشتند. نهاد پایی با جلم در دوران امپراتوران، پادشاهان، بارون‌های غارتگر، سناتورهای جمهوری خواه، تهرقات مستعمراتی و نیز در جدال و همکاری با عوام‌فربیان و آزادی‌خواهان رشد و بسط یافت و با هر ضرب و زوری در برابر موارد فوق به حیات خود ادامه داد.

چگونه یک نفر در ده فصل مختصر می‌تواند تاریخی دوهزارساله را که دربرگیرنده جانشینی بیش از دویست و شصت مقام است، ارائه کند؟ چگونه می‌توان خلاصه‌ای از یک نهاد به دست داد که ایستارها و ساختارهایش به شکلی کم و بیش برابر از کتاب‌های مقدس بنی‌اسرائیل و قوانین روم باستان برگرفته شده و اکنون به یکی از مؤسسات جهانی موفق بدل شده است؟ آیا تاریخ پایی روندهای خاص خودش را دنبال می‌کند؟ آیا پاپ‌ها چونان بازیگران جهان سیاست و در ارتباط با ظهور و سقوط سلسله‌های عرفی و قبض و

بسط امپراتوری‌ها و انقلاب‌های سیاسی بهتر فهمیده می‌شوند؟ آیا تاریخ پاپ‌ها نهادی را با مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها به تصویر می‌کشد یا فقط تاریخچه‌ای اقتضایی، فرصت‌طلبانه و مبتنی بر وفور نعمتِ اتفاقی است؟ آیا نهاد پاپی برنامه‌ای منسجم است یا ملغمه‌ای تاریخی است که تداوم آن از ظرفیتش در تغییر سریع تاریخی از برای بقا می‌آید؟

پاپ‌ها خودشان در باب تاریخ منسجم نهاد پاپی و منبع آن هیچ گاه تردید نکرده‌اند. پاپ‌ها از همان آغاز مدعی فرمانی الهی برای جایگاهشان چونان نهادی بودند که از سوی خود مسیح تأسیس شده باشد؛ نهادی مقدر که تا ابدی بشر باقی است، تداوم یابد. در مهم‌ترین فقرهٔ مربوط به نهاد پاپی در انجیل متی، این نهاد که در شخص پطرس تجلی یافته است، به عنوان سنگی توصیف شده که کلیسا بر آن بنا شده است: «و دروازه‌های منزلگه مردگان برابر آن قد نخواهند افراشت».^۱

مورخان، تاریخ از تصدیق یا عدم تصدیق مدعاهای دینی، با این انسجام نهادی موافقت دارند. والتر اولمان،^۲ پژوهشگر برجستهٔ سده‌های میانه در دانشگاه کمبریج که تحقیقات تأثیرگذارترین مورخ نهاد پاپی در دوران اخیر است، نهاد پاپی را ذیل یک اندیشهٔ راهبر و منحصر به فرد می‌بیند. او استدلال کرد که تا پایان سدهٔ چهارم میلادی نهاد پاپی چونان یگانه منبع نظم و تعلیم معتبر برای کل کلیسای کاتولیک، به تدریج پخته از خود رسیده بود. اولمان دربارهٔ هزارهٔ بعدی گفت مسئلهٔ پاپ‌ها و اروپا جدالی بود برای تحقق بخشیدن به خودفهمی منتج از قانونی جهانشمول و نیز باور به نهادی برای ادارهٔ دینی اجتماع تحت فرمانروایی پاپ. طبق نظر او، این جدال بیش از هر چیز در منازعات میان پاپ‌ها و امپراتوران بروز یافت. در این منازعه پاپ‌های سده‌های میانه برای دوره‌ای پیروز بودند. آن‌ها قادر بودند و می‌خواستند جهان و پادشاهی‌های آن را به لرزه درآورند و اداره کنند. اولمان که خود کاتولیک بود، بی هیچ تردیدی در این نهاد منسجم، اندیشه‌ای برآمده از فرمان مسیح به پطرس را می‌دید: «میش‌های مرا شبانی کن» این فرمانی بود که از پطرس به پاپ‌ها رسید. اما بخش زیادی از این داستان ممکن است توسط پروتستان‌ها یا مورخان بی‌دین گفته شود؛ با این تفاوت که مدعاهای پاپی پرشکوه چونان افسانه‌ای اسفناک برای

۱. (متی، ۱۶: ۱۸). در نقل‌قول‌های کتاب مقدس از ترجمهٔ استاد پیروز سیار استفاده شده است.

بهبود جایگاه نهاد پاپی و نیز برای غضب خودآیینی مشروع سپهر عرفی نگریسته شوند که در نهایت با اصلاحات سده شانزدهم میلادی اصلاح شده‌اند.

چنین چشم‌اندازهایی دربارهٔ تاریخ پاپی به دنبال الگوهایی وسیع در مجموعه‌ای متسلسل از رویدادهایند. اما چنین تاریخ گسترده‌ای امکان الگوسازی دقیق را به چالش می‌کشد، زیرا بیش از دو هزاره به درازا کشیده و تقریباً بر کل جهان اثر گذاشته است. در این مورد، شرحی هوشمندانه در یکی از مهم‌ترین آثار منتشرشده در الهیات در اواخر سده بیستم از فیلسوف-کشیشی کاتولیک به نام پی. جی. فیتزپاتریک^۱ وجود دارد که می‌نویسد:

دیرزمانی است که شش شخصیت را به عنوان بنیانگذاران کلیسای رم آن‌گونه که امروز می‌شناسیم، در نظر گرفته‌ام: امپراتور کلاودیوس^۲، گریگوری کبیر^۳، محمد[ص]، مارتین لوتر^۴، ناپلئون بناپارت و سِر چارلز ویستون^۵. کلاودیوس خدمات مدنی در رم را بنیاد نهاد که سرآغازی برای دربار کلیسای رم است... به هر حال، با عضوگیری نهاد خدمات مدنی از میان افراد سطح پایین جامعه، کلاودیوس دریافت که وفاداری اعضا به آن بدون وساطت شخص امپراتوری پیش می‌رود. گریگوری کبیر که سنگ‌نبشته لوتر^۴ او را سفیر خدا توصیف می‌کند، توانست در خلال یک زندگی آشفته به جای شرق مسیحی به غرب برای فعالیت‌های جدید نظر کند. ضعف فکری گریگوری به او کمک کرد: او ساخت اندکی از ادبیات کلاسیک داشت و گرچه سال‌ها در قسطنطنیه زندگی کرده بود، هیچ آموزشی از اندیشهٔ یونانی نداشت. در حالی که گریگوری به غرب نظر داشت. پیدایش و گسترش اسلام کلیساهای شرقی و باستانی را تضعیف کرد. با پایان یافتن سده‌های میانه، دیگر در عمل هم‌اوردی در مقابل کلیسای رم وجود نداشت. گروه‌های برآمده از اصلاح دینی در دههٔ نخست قرن شانزدهم نتیجه‌ای جز این نداشتند که نهاد پاپی بیانی ملموس را در حمایت از مذهب قدیمی به عمل آورد؛ نهاد پاپی از انقلاب فرانسه بسیار بیشتر اثر پذیرفت و آنچه بر نهاد پاپی در اروپا اثرگذار بود، باعث

1. P. J. FitzPatrick

2. Emperor Claudius

3. Gregory the Great

4. Martin Luther

5. Sir Charles Wheatston

تغییر شکل آن شد و پاپ را شخصیتی منزوی ساخت و شخصیت او را به شکلی جدید و اساساً دراماتیک بدل کرد... سر چارلز ویتستون عملاً نخستین شکل قابل استفاده از تلگراف را اختراع کرد. رم این چنین توانست به اسقفی که گویی قلمرو اسقفی را در مجاورت خود دارد، نزدیک شود.^۱

فیتزپاتریک در بررسی دقیق خود به رویدادهای مطلقاً اقتضایی در میان نیروهای تاریخی اشاره می کند که به تمام نهادهای بزرگ شکل می بخشند؛ حتی نهاد مقدسی چون نهاد پاپی. فهم اقتضایی از تاریخ پاپی در تقابل با فهمی منظم و نازمانمند^۲ قرار می گیرد که با آن احاطه شده است. دست کم از سده پنجم میلادی پاپ ها ادعا کرده اند که مقام آن ها به شکلی بی واسطه از سوی عیسی مسیح و در دوران حیاتش ایجاد شده است؛ او که می خواست کلیسایش فقط به دست رسولان و جانشینانشان اداره شود، کل قدرت روحانی و کلیدهای ملکوت آسمان را به پطرس، رهبر رسولان، سپرد. پطرس به رم آمد و جانشینان خود را برگمارد. اسامی نخستین پاپ ها تا امروز در دعاها و عشای ربانی^۳ تصریح شده است. مطابق آنچه گفته می شود، پاپ ها از لینوس^۴، کلتوس^۵، تا بندیکت شانزدهم، فرمانفرمایی شکوهمندی داشته اند. تمام مدعاهای مدرن کلیسای کاتولیک برای پاپ ها، مانند قدرت پاپ ها در عالم نظر و قدرت آن ها بر سایر نهادها، بر این برداشت آشکارا ساده از واگذاری الهی کلیدها و نیز فرمان مسیح پس از رستاخیزش به پطرس برای شبانی میش های مسیح استوار است.

اما واقعیت های تاریخی مطمئناً به این سادگی نیستند. مشهورترین فقره پایانی در کتاب مقدس در متی (۱۸: ۱۶) آمده است — «تو پطرس هستی و کلیسای خویش را بر این سنگ بنا خواهم کرد... کلیدهای ملکوت آسمان ها را به تو خواهم داد» — که تا پیش از آزار و اذیت مسیحیان در عصر امپراتور دسیوس^۶ در میانه سده سوم در هیچ منبع رومی ای نقل نشده است، و خاستگاه های آنچه می توانست اسطوره مؤسس نهاد پاپی خوانده شود، به شکلی آزاردهنده پیچیده شده است.

1. *Breaking of Bread*. Cambridge 1993, pp.259-60.

2. Timelessness

3. the canon of the Mass

4. Linus

5. Cletus

6. Clement

7. Decius